

۱ دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲ در میان گذاشتن برکات(۲۰ دقیقه)

اول سموئیل

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول سموئیل ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).

به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، درمورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

۳ تعمق و حفظ کردن (۲۰ دقیقه)

انکار خود - لوقا ۹: ۲۳

الف- تعمـــــق

بخوانید: لوقا ۹: ۲۲ - ۲۷

	انکار خود لوقا ۹: ۲۳
این آیه حفظی را روی یک صفحه یا تخته سیاه بنویسید:	اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند می‌باید نفس خود را انکار نموده صلیب خود را هر روزه بردارد و مرا متابعت کند. لوقا ۹: ۲۳

۱- خداوند شاگردان، خودش باید رنج می کشید، می مرد و رستاخیز می کرد.

این قسمت، از نخستین جاهایی است که عیسی رنج، مرگ و رستاخیز خود را علنا پیش‌بینی می‌کند. بسیاری از یهودیان در زمان عیسی از مسیحای موعود و نجات‌دهنده خود انتظار داشتند که زندگی کند و بر دشمنانشان غلبه یابد. پس این پیش‌بینی برای شاگردان مثل یک شوک وحشتناک بود، اما مرگ او توسط انبیاء پیش‌بینی شده بود، و نمونه آن قربانی‌های عهد عتیق بوده و عیسی خودش آن را انتخاب کرد. در یوحنا ۱۰: ۱۱ می گوید: «من شبان نیکو هستم، شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهد.» عیسی باید آنچه می‌خواست انجام دهد را انجام دهد. مرگ او لازم بود (لوقا ۲۴: ۴۴، اعمال رسولان ۴: ۱۲) و تنها راهی بود که خشم عادلانه خدا در مقابل گناه را فرو می‌نشاند و جریمه کامل گناهانمان را پرداخت می‌کرد. توجه کنید که حقیقتا کسانی که بایستی از منافع مذهبی اسرائیل دفاع می‌کردند نجات‌دهنده خود را مصلوب ساختند. مشایخ اسرائیلی اعضای سنهدرین بوده که همه شامل خانواده‌های بسیار ممتاز و اشرافی اورشلیم بودند. رئیس کاهنان و همینطور کاهن اعظم از اعضای خانواده‌های بزرگ کاهنان بودند. معلمان شـــریعت، معلمان آموزش دیده و منصوب شده در عـــــهد عتیق بودند. وظیفه آنها مطالعه، تفسیر و انتقال آن بوده و آن را کپی کرده و شریعت را تعلیم می‌دادند.

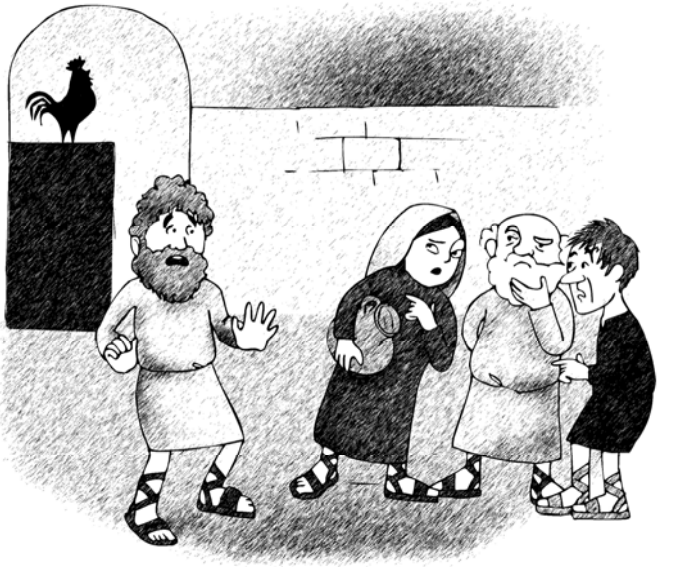
۲- شاگرد بایستی خود را انکار کند.

الف- پیروی از عیسی

عبارت «پیروی کردن» به معنی وصل شدن یکنفر به عیسای مسیح به عنوان شاگرد اوست. صدها نفر وجود داشتند که ظاهرا عیسی را پیروی می‌کردند به هر جا می‌رفت او را دنبال می‌کردند و به تعالیم او گوش می‌کردند و معجزات او را می‌دیدند، اما عیسی در این آیه کاملا آشکار ساخت که او از یک شاگرد حقیقی چه انتظاری دارد.

ب- انکار خود

یک شاگرد واقعی در وهله اول خودش را انکار می‌کند. وقتی پطرس عیسی را انکار کرد گفت: «او را نمی‌شناسم.»

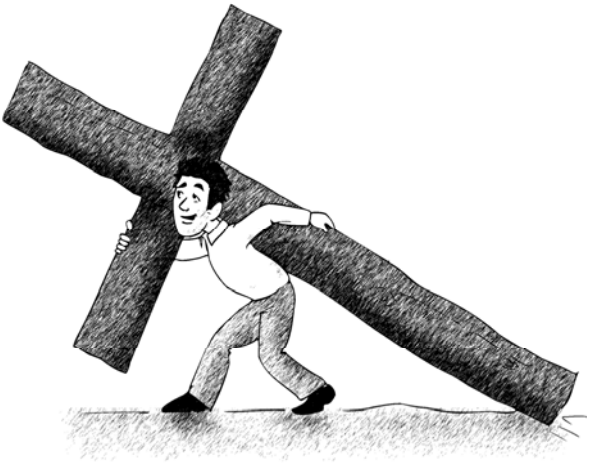


اینجا انکار به معنی انتخاب «او را نشناختن» و یا گرفتن این تصمیم است که «به او تعلق ندارم.» در اینجا انکار به معنی این است که یک بار و برای همیشه به خودتان «نه» بگویید. به معنی «نه» گفتن به طبیعت کهنه خودتان است؛ یعنی طبیعتی که از فیض خدا به دور است؛ یعنی نفسی که تولد تازه ندارد. وقتی خودتان را انکار می‌کنید تمامی اعتماد خود را به هرآنچه ذاتا هستید ترک می‌کنید. اعتماد به حکمت، قدرت، توانایی‌ها، املاک و موقعیت خود را کنار می‌گذارید. در عوض وقتی خود را انکار می‌کنید

برای نجات و زندگی‌تان فقط به خدا وابسته می‌شوید. پس، انکار در ارتباط با هر آن چیزی است که شما برای نجات و زندگی درست به آن اعتماد می‌کنید، وابسته هستید، توکل و تکیه می‌کنید و به آن وابسته‌اید.

انکار؛ یعنی بازگشت از هر چیزی که گناه‌آلود است؛ یعنی دوری از موضوعاتی که استقلال از خدا را بیان می‌کنند تا هر آنچه طغیان علیه خداست. نمونه‌های مربوط به انکار را در دوم قرنتیان ۸: ۹، متی ۴: ۱۹ - ۲۲، متی ۹: ۹ و فیلیپیان ۳: ۷ - ۸ ملاحظه کنید.

۳- شاگرد بایستی صلیب خود را بردارد.



برداشتن صلیب معمولا تصویری از انسان محکوم است که به اجبار صلیب خود را تا محل اعدام حمل می‌کند. در حالی که در اینجا معنی متفاوتی دارد. آنچه که شخص محکوم مجبور است انجام دهد، شاگرد عیسای مسیح با اختیار انجام می‌دهد. سهم خاصی که او به خاطر وفاداریش به مسیح و به خاطر مسیح خواهد پذیرفت این است که او داوطلبانه جفا، رنج، طرد شدن و خجالت را قبول می کند. هر شاگرد، صلیب متفاوتی برای حمل کردن دارد. مثال‌هایی از حمل صلیب در زیر ذکر شده است.

در زیر نمونه‌هایی از برگرفتن صلیب آورده شده است.

الف- در اعمال ۵، شاگردان دستگیر شده‌اند و به زندان افتاده وبا شلاق تنبیه شدند چون انجیل را برای مردم موعظه می‌کردند. صلیب آنها شکنجه و زندان بود.

ب- در اعمال ۷، استیفان تا به مرگ سنگسار شد چون شنوندگان خود را انسان‌های سرسختی خواند که گوش‌ها و قلب‌هایشان نامختون است. آنانی که همیشه با روح‌القدس مقاومت می‌کردند و به مسیح خودشان خیانت کردند و او را کشتند (اعمال رسولان ۷: ۵۱ - ۵۲). صلیب او شهادت بود.

پ- در دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳ - ۲۸، پولس رسول صلیب خود را خلاصه می‌کند. «در سختی‌ها افزونتر در تازیانه‌ها زیادتر در زندان‌ها بیشتر و در مرگ‌ها مکرر از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کمتر تازیانه خوردم سه مرتبه مرا چوب زدند یک دفعه سنگسار شدم، سه دفعه شکسته کشتی شدم، شبانه روزی در دریا بسر بردم... در خطرها در نهرها درخطرهای دزدان در خطرها از قوم خود و در خطرها از امـــت‌ها... بی‌خوابی‌ها بارها در گرسنگی و تشنگی در روزه‌ها بارها در سرما و عریانی بدون آنچه علاوه بر اینهاست آن باری که هر روزه به من است؛ یعنی اندیشه برای همه کلیساها.» صلیب او کار سخت همراه با خطرات و مشکلات بود.

ت- در مکاشفه ۱: ۹ می‌خوانیم که یوحنای رسول به دلیل موعظه و تعلیم کلام خدا و شهادت به عیسای مسیح به جزیره پطمس تبعید شده بود. صلیب او طرد شدن و تبعید بود.

۴- **<u>شاگرد بایستی پیرو عیسای مسیح باشد</u>**.

یک شاگرد پیروی از عیسی را شروع می‌کند و به آن ادامه می‌دهد.

الف- در کتاب مقدس پیروی به معنی ایمان آوردن به عیسی است. در یوحنا ۶: ۶۶ - ۶۹ می‌خوانیم که چون شاگردان به عیسی که قدوس خدا بود ایمان آوردند از پیروی او بازنگشتند و آن را ترک نکردند؛ یعنی همان کاری که بسیاری از اشخاص دیگر کردند.

ب- پیروی؛ یعنی سلوک کردن در اثر قدم‌های عیسی. در اول پطرس ۲: ۲۱ می‌خوانیمک «و شما را نمونه گذاشت تا در اثر قدم‌های وی رفتار نمایید.»

پ- پیروی؛ یعنی اطاعت از عیسی.

ت- پیروی؛ یعنی خدمت کردن عیسی. در یوحنا ۱۲: ۲۶ می‌خوانیم: «اگر کسی مرا خدمت کـــند مرا پیروی بکند و جایی که من می‌باشم آنجا خادم من نیز خواهد بود.»

بر طبق این آیه، آنها بایستی هر روز در زندگی خود این کار را انجام دهند. انکار خود، برداشتن صلیب و پیروی از عیسای مسیح، راه دیگری است برای اینکه بازگشت واقعی شخص ثابت شود و تقدیس او ادامه یابد و اینها در عین حال هم عطایی از جانب خدا و هم مسؤولیت شخص است.

۵- شاگرد عیسای مسیح بایستی زندگی‌اش را فدای او کند.

لوقا ۹: ۲۴- ۲۵ می‌گوید: «زیرا هر که بخواهد جان خود را خلاصی دهد، آن را هلاک سازد و هر کس جان خود را به جهت من تلف کرد ، آن را نجات خواهد داد، زیرا انسان را چه فایده دارد که تمام جهان را ببرد و نفس خود را بر باد دهد یا آن را زیان رساند.» کلمه «زندگی» را می‌توان با کلمه جان، خود و حیات ترجمه شود.

الف- نخستین مفهوم کلمه جان

در قسمت اول آیه ۲۴، کلمه جان، بخش غیرمادی و نادیدنی شخص را شرح می‌دهد که جدا از فیض خداست؛ یعنی جان او تولد تازه ندارد و احیا نشده است. اگر شخصی می‌خواهد جان و زندگی خود را نجات دهد؛ یعنی در صورتی که به زندگی گناه‌آلود خود، دارایی، لذت، شهرت، مقام، نفوذ و خواهش‌های خود وابسته باشد و برای خود زندگی کند سرانجام جان یا زندگی خود را از دست خواهد داد. هر هدفی که خدا برای جان و زندگی او داشته روز به روز بیشتر از بین رفته و سرانجام او در جهنم هلاک خواهد شد.

برای مثال در لوقا ۱۲: ۱۶ - ۲۱ شخص ثروتمند با خود گفت: «ای جان اموال فراوان اندوخته شده به جهت چندین سال داری الحال بیارام و به اکل و شرب و شادی بپرداز.» اما خدا به او گفت: «ای احمق. در

همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت آنگاه آنچه اندوخته ای از آن که خواهد بود؟ همچنین است هر کسی که برای خود ذخیره کند و برای خدا دولتمند نباشد.»

ب- دومین مفهوم جان

در بخش دوم آیه ۲۴، کلمه «جان» بخش درونی، غیرمادی و نادیدنی شخص را شرح می‌دهد که تحت تأثیر فیض خداست؛ یعنی تولد تازه یافته است. وقتی شخصی جان یا زندگی خود را به خاطر مسیح فدا می‌کند؛ یعنی زندگی خود را کاملا به مسیح وقف می‌کند و او را در جهان خدمت می‌کند در واقع او جان یا زندگیش را نجات می‌دهد. او در درون خود و زندگی خارجی خود بیش از پیش آرامش، اطمینان و خوشی و بخصوص محبت در روابط خود و داشتن هدف در زندگی را تجربه خواهد کرد. عیسی به آنانی می‌خواهند شاگردانش او شوند، اصرار می‌کند که به طرف درون خود بازگشت نکنند و زندگی خودخواهانه را در پیش نگیرند، بلکه به سمت دنیای بیرون از خود متمایل باشند و برای او و ملکوت او زندگی کنند.

برای مثال در متی ۱۰: ۳۷ - ۳۹ عیسی از عبارتی مثل «جان خود را هلاک سازد» در کنار موضوع «دوست داشتن پدر و مادر یا پسر یا دخترتان بیش از او» استفاده می‌کند. در متی ۱۶: ۲۱ - ۲۵ از همین عبارت در کنار موضوع «تحمل رنج به خاطر پیوستن به عیسی و تعلیم کلام مسیح» استفاده می‌کند. در یوحنا ۱۲: ۲۴ - ۲۶ عیسی از عبارت «جان خود را دشمن دارد» در کنار موضوع «خدمت فداکارانه مسیح» استفاده می‌کند. در لوقا ۱۷: ۳ - ۳۳ عیسی از عبارت «هر که جان خود را هلاک کند» در کنار موضوع «آمادگی رفتن با عیسی در آمدن ثانویه» استفاده می‌کند. عیسای مسیح نسبت به هدف او در روابط، در موقعیت خدمت مسیحی ما و نسبت به زندگی‌مان در آینده وقف کامل ما را به خود می‌طلبد.

حتی اگر شخصی تمام دنیا را با تمام گنج‌های مادی، لذت‌ها و شهرتش می‌توانست ببرد و در این بین زندگی که خدا میتوانست به او عطا کند را از دست بدهد، نه تنها چیزی به دست نیاورده بلکه همه چیز را هم از دست داده است.



۶- شاگرد بایستی شجاعانه خود را با عیسای مسیح یکی بداند.

در لوقا ۹: ۲۶ می‌گوید: «زیرا هر که از من و کلام من عار دارد پسر انسان نیز وقتی که در جلال خود و جلال پدر و ملائکه مقدسه آید از او عار خواهد داشت.» عار داشتن یا خجالت کشیدن از مسیح و کلام او یعنی آنقدر ترسو و یا مغرور باشید که نخواهید هیچ‌کاری را با او یا با هدف او انجام دهید. انسان‌هایی که برای خود زندگی می‌کنند از مسیح غافل هستند و یا با او مخالفت می‌کنند و نمی‌توانند نجات بیابند. در لوقا ۱۳: ۲۴ - ۲۵ عیسی می‌گوید: «جد و جهد کنید تا از در تنگ داخل شوید، زیرا که به شما می‌گویم بسیاری طلب دخول خواهند کرد و نخواهند توانست. بعد از آنکه صاحب‌خانه برخیزد و در را ببندد و شما بیرون ایستاده در را کوبیدن آغاز کنید و گویید خداوندا خداوندا برای ما باز کن آنگاه وی در جواب خواهد گفت شما را نمی‌شناسم که از کجا هستید.»

۷- ملکوت خدا را که با قدرت می‌آید می‌بینید.

لوقا ۹: ۲۷ می‌گوید: «لیکن هر آینه به شما می‌گویم که بعضی از حاظرین در اینجا هستند که تا ملکوت خدا را نبینند ذائقه موت را نخواند چشید.» چگونه امکان دارد که بعضی از شاگردان عیسی دیده باشند که ملکوت خدا با قدرت می‌آید (مرقس ۹: ۱)؟ لوقا ۹: ۲۶ - ۲۷ متصل به همدیگر هستند و پایان و شروع کار عیسای مسیح بر روی زمین را شرح می‌دهند. در آیه ۲۶ عیسی از آمدن ثانویه خود می‌گوید. وقتی که بر ابرها با هزاران فرشته ظاهر می‌شود. در همان زمان تمام انسان‌هایی که تا به آن موقع بر زمین زندگی کرده باشند را داوری خواهد کرد. او براساس شناختی که آنها از او داشته‌اند، او را پیروی کرده یا نکرده باشند داوری می‌کند.

در آیه ۲۷ عیسی از شروع ملکوت بر روی زمین سخن می‌گوید؛ یعنی رستاخیز، صعود، سلطنت گرفتن، جاری شدن روح‌القدس و گسترش سریع پیغام انجیل به بسیاری از قوم‌ها در طی قرن اول. پس از اینکه عیسی با قدرت خدا رستاخیز نمود، به دست راست خدا و بالاتر از تمام قدرت‌های موجود در جهان نشست. اوروح‌القدس را بر شاگردانش فرو ریخت و ایشان را برای انجام مأموریتشان تقویت نمود (افسسیان ۱: ۱۹- ۲۱، اعمال رسولان ۱: ۸). صدها تن از پیروانش در تمام طول زندگی‌شان بر این اتفاقات شهادت دادند (اول قرنتیان ۱۵: ۶).

ب- حفـــظ کردن و مـــــرور

۱- **بنویسید:** آیه کتاب مقدس را روی یک کارت سفید یا یک صفحه از دفترچه یادداشت کوچکتان بنویسید.

۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس رابه روش صحیح حفظ کنید. شاگردی ۲. انکار. لوقا ۹: ۲۳

۳- **مرور کنید:** به گروه‌های دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

۴ بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)
وسوسه ها در دنیا متی ۴: ۱-۱۱

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، متی ۴: ۱ - ۱۱ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید

بخوانید: متی ۴: ۱- ۱۱ را با هم بخوانیم.

هر یک به نوبت یک آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید

توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بنویسید: یک یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، درمورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگر در میان بگذاریم.

(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید: در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوما یکسان باشند.)

۴:۴ *

کشف ۱) یک حقیقت مهم از نظر من در متی ۴: ۴ می‌باشد. عبارت: مکتوب است. عیسی در هنگام اقتباس از کتاب مقدس از این عبارت استفاده می‌کرد. در اینجا در متی، عیسی سه بار از تثنیه فصل‌های ۶ و ۸ در عهدعتیق اقتباس کرد.

عیسی دارای دید عالی‌ای از کتاب مقدس بود. او کتاب مقدس را معیار نهایی تشخیص آموزه و زندگی صحیح و همینطور «محکمه نهایی برای درخواست حق و حقوق» می‌دانست. او از کتاب مقدس برای تعلیم و آموزش مردم استفاده می‌کرد. او از کتاب مقدس برای موعظه و هشدار به مردم استفاده می‌کرد. او از کتاب مقدس برای پاسخ به سؤالات مردم استفاده می‌کرد و از کتاب مقدس برای مبارزه با وسوسه‌های شیطان استفاده کرد.

*** ۱۱:۴**

کشف ۲) یک حقیقت مهم از نظر من در متی ۴: ۱۱ است. ابلیس عیسی را رها کرد.

اوقاتی هستند که شریر مسیحیان را وسوسه می‌کند. مثل اینجا، شریر می‌تواند با وسوسه‌های بسیاری یکی پس از دیگری بیاید و بکوشد تا باعث سقوط، ضعیف شدن و شکست ما مسیحیان شود. به هر حال عیسی ثابت کرد که ما مسیحیان می‌توانیم بر وسوسه‌های شیطان غلبه کنیم. به علاوه خدا به شیطان اجازه نمی‌دهد که به وسوسه کردن ما ادامه دهد. بعد از یک نبرد علیه وسوسه، شیطان ما را ترک می‌کند، اما ما مسیحیان بایستی همیشه هوشیار باشیم او قطعا برمی‌گردد تا یک بار دیگر سعی کند تا باعث سقوط ما شود.

قدم ۳: سؤال کنید

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به متی ۴: ۱ - ۱۱ را درک کنیم و درمورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.

بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤال‌ها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن درمورد آنها در گروه، جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه نمونه‌هایی از سؤال‌هایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

*** ۱:۴**

سؤال ۱) (متی ۴: ۱). شیطان کیست؟

ملاحظات: شیطان یکی از فرشتگان سقوط کرده است. او با خدا و نقشه نجات خدا مخالفت می‌کند. با تسلط بر لشگری از دیوها و بی‌ایمانان دنیا سعی می‌کند از موعظه انجیل خودداری کند، او مردم را وسوسه می‌کند تا گناه کنند؛ یعنی آنچه خدا را محزون می‌کند و سعی می‌کند افکار بی‌ایمانان را تسخیر کند تا اراده او را انجام دهند (دوم تیموتاؤوس ۲۶:۲). او مخالف نیرومندی است که مسیحیان فقط با قدرت خدا می‌توانند در برابر او مقاومت کنند. شیوه او نخست این است که مردم را به گناه وسوسه کند و بعد از اینکه آنها مرتکب گناه شدند به مخالف آنها تبدیل شود و در حضور خدا آنها را لعنت کند (مکاشفه ۱۰:۱۲). مهم‌تر از همه، شیطان دروغگو و پدر دروغگویان است (یوحنا ۸: ۴۴).

*** ۱:۴**

سؤال ۲) (متی ۴: ۱). وسوسه چیست و چه کسی مردم را به وسوسه می‌کشاند؟

ملاحظات: وسوسه چیزی است که می‌خواهد ما را به گناه بیندازد. گناه چیزی است که هدف خدا را از نظر دور می‌کند. وسوسه معمولا می‌خواهد زندگی ما را به شکست بکشاند. به صورت زیر وسوسه می‌شویم.

الف- طبیعت کهنه ما می‌تواند ما را وسوسه کند.

در یعقوب ۱: ۱۳ - ۱۵ نوشته شده که هیچ کس چون در وسوسه افتد نگوید خدا مرا وسوسه می‌کند، زیرا خدا هرگز از بدی‌ها تجربه نمی‌شود و او هیچ کس را وسوسه نمی‌کند، اما هرکس وقتی در وسوسه میفتد شهوت او را جذب کرده و فریفته می‌سازد پس شهوت آبستن شده گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده موت را تولید می‌کند.»

ب- دنیای شریر می‌تواند ما را وسوسه کند.

در دنیا وسوسه‌های گوناگون و متفاوتی وجود دارد. در اول یوحنا ۲: ۱۵- ۱۷ یوحنای رسول می‌گوید که این وسوسه‌ها بایستی با آنچه می‌بینیم و در قلبمان خواهش می‌کنیم اتفاق افتاده و بالاخره انجام می‌شود. چشمان آنهایی که به دنیای گناه‌آلود تعلق دارند آرزوی چیزهای ممنوعه را می‌کند. قلبشان چیزهای گناه‌آلود را می‌طلبد و بعد با بدنشان آنچه اشتباه است انجام می‌دهند. بعد از اینکه مرتکب گناه شدند حتی به کارهای اشتباهی که انجام داده‌اند افتخار می‌کنند. آنها نسبت به کارهای اشتباه خود مغرور می‌شوند. آنها به کشتن مردم افتخار می‌کنند. به فساد جنسی خود مغرور می‌شوند. به فریب دادن مردم افتخار می‌کنند. به مخالفت کردن از قدرت‌های حاکمه افتخار می‌کنند. یوحنای رسول در مقابل این دنیای شریر و همچنین خواسته‌های شریرانه آن که قطعا در گذر است هشدار می‌دهد.

پ- شیطان می تواند ما را وسوسه کند.

شیطان مانند شیر غران است که گردش می‌کند تا کسی را بیابد (اول پطرس ۴: ۸ ، افسسیان ۶: ۱۶). آرزوی او وسوسه کردن مردم به گناه یعنی به انجام کارهایی است که بر خلاف هدف خدا می‌باشد.

*** ۲:۴**

سؤال ۳) (متی ۴: ۲) عیسی چهل شبانه‌روز روزه گرفت. آیا مسیحیان امروزه بایستی روزه بگیرند؟

ملاحظات:

الف- دعا و روزه در متی ۶: ۵ – ۱۸.

روزه گرفتن بخشی از آیین‌های شریعت عهد عتیق بود. با آمدن نخستین مسیح روزه گرفتن منسوخ گردید (مرقس ۱۸:۲- ۲۲؛ افسسیان، ۱۴:۲- ۱۵). عیسای مسیح به مسیحیان دعا کردن را آموخت. اگر مسیحیان بخواهند روزه بگیرند می‌توانند، اما بایستی تا آنجا که ممکن است بدون جلب توجه دیگران انجام دهند (متی ۶: ۱۶– ۱۸).

ب- روزه در متی ۹: ۱۴ – ۱۵.

روزه گرفتن به دوران غیبت عیسی تعلق دارد. عیسی در متی ۹: ۱۵ تعلیم داد: «آیا پسران خانه عروسی، مادامی‌که داماد با ایشان است می‌توانند ماتم کنند و لکن ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود در آن هنگام روزه خواهند داشت...» مسیح، داماد است و مسیحیان عروس. در یوحنا ۱۶: ۱۶ - ۲۲ مسیح تعلیم می‌دهد که مسیحیان فقط به مدت ۳ روز وقتی داماد بمیرد عزاداری خواهند کرد و روزه خواهند گرفت. بعد از رستاخیز آنها دوباره داماد را خواهند دید و خوشی آن بازگشت خواهد کرد و هیچ کس این خوشی را از آنها نخواهد گرفت. بعد از رستاخیز داماد تا به انقضای عالم همراه آنها خواهد بود (متی ۲۸: ۲۰)!

پ- روزه در متی ۹: ۱۶ - ۱۷

سپس عیسی اینگونه ادامه داد که هیچ کس شراب نو را در مشکهای کهنه نمی‌ریزد. اگر چنین کنند مشکها دریده شده و شراب ریخته و مشکها تباه می‌گردد، بلکه شراب نو را در مشکهای نو می‌ریزند تا هر دو محفوظ باشند.

روزه بخشی از آداب یهودیت پس از تبعید به شمار می‌رفت. شراب نو معرف نجات و برکتی است که مسیح می‌آورد و مشکها بیانگر صورت جدید پرستش مسرورانه مسیحی است. شراب کهنه بیانگر عزاداری است که مشخصه مهم یهودیان بعد از دوران تبعید بوده و مشک کهنه معرف شکل قدیمی روزهای روزه‌داری و آداب روزه‌داری یهودیان است. خوشی نجات با غم روزه‌داری هماهنگ نیست. خوشی نجات منجر به شیوه جدیدی برای ارتباط برقرار کردن با خدا و خدمت خدا می‌شود. شیوه قدیمی روزه‌داری خوشی و شادی را حذف می‌کرد.

این کار در دوران عهد عتیق فقط یک روز در سال یعنی «خود را ذلیل سازید» (انکار نفس)، بـــــرای مردم اسرائیل فریضه بود و آن روز، روز کفاره بود (لاویان ۱۶: ۲۹ - ۳۱). این عبارت «خود را ذلیل ساختن» (یا انکار نفس) را «روزه» تفسیر می‌کنند که به تشریفات شـــریعت عهد عتیق متعلق بود.

مرگ و رستاخیز عیسای مسیح قوانین شریعت را تمام کرد (متی ۵: ۱۷)، محو ساخت (کولسیان ۲: ۱۴) و نابود ساخت (افسسیان ۲: ۱۵). روزه‌داری دیگر از ضروریات مذهبی نیست و به صورت ضروریات مذهبی نباید دوباره معرفی شود. مسیحیان اگر دوســـت داشته باشند خودشان روزه می‌گیرند، اما نباید از مسیحیان دیگر انتظار داشته باشند که آنها هم روزه بگیرند.

*** ۴ -۲:۴**

سؤال ۴) (متی ۴: ۲ - ۴). اولین وسوسه عیسی توسط شیطان چه بود؟

ملاحظات: بعد از چهل روز روزه گرفتن، عیسی گرسنه شد. شیطان از عیسی خواست که سنگهای بیابان را به نان تبدیل کند. با تبدیل سنگ‌ها به نان، عیسی می‌توانست نیازهای جسمی خود را برطرف کند. در وسوسه اول، شیطان عیسی را وسوسه کرد که اصلا به خدا اعتماد نکند. او سعی کرد اعتماد عیسی به خدا را نابود کند که نیازهای جسمی و مادی او را رفع می‌کند او عیسی را وسوسه کرد که مشکلاتش را به دست خود بگیرد و مستقل از خدا عمل کند.

عیسی با اعتماد به کلام مکتوب خدا بر این وسوسه غلبه یافت. اگر خدا می‌تواند ستارگان جهان و یا تمام زمین را با گفتن کلامی بیافریند پس عیسی به خدا اعتماد می‌کند که می‌تواند نیازهای روزانه او را فقط با گفتن کلمه‌ای برطرف سازد.



۴:۴ ❋

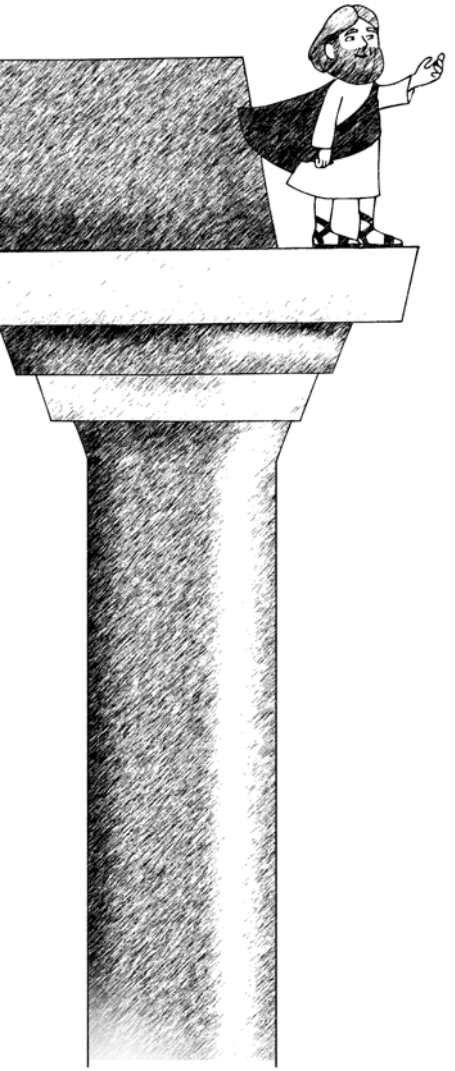
سؤال ۵) (متی ۴: ۴). «به هر کلمه که از دهان خدا صادر گردد» یعنی چه؟

ملاحظات: «به هر کلمه که از دهان خدا صادر می‌گردد» کلام قدرتمندی است که خدا گفت و با آن هستی را آفرید (عبرانیان ۱۱: ۳) و تا به امروز حامل آن بوده است (عبرانیان ۱: ۲ - ۳). خدا با کلام مقتدر خود برای اسرائیلیان در بیابان غذا به وجود آورد و از آنها مواظبت کرد. پس با کلمه خود می‌تواند برای حفاظت از عیسی در بیابان و بعد از چهل روز روزه‌داری شرایطی را به وجود آورد و آنها را محافظت کند. در حالی که شیطان اعتقاد داشت که نان معمولی قطعا برای حفظ زندگی ضروری است عیسی واضح ساخت که نه نان بلکه کلمه قدرتمندی که از دهان خدا بیان می‌شود تنها منبع زندگی و سلامتی انسان بر روی زمین است.

۷ -۵:۴ ❋

سؤال ۶) (متی ۴:۵- ۷). وسوسه دوم عیسی توسط شیطان چه بود؟

ملاحظات: شیطان از عیسی خواست که با پرت کردن خود از بام معبد، خدا را امتحان کند که آیا واقعا فرشتگان خدا او را خواهند گرفت. در وسوسه دوم، شیطان عیسی را وسوسه کرد که اعتمادی کاذب به خدا داشته باشد. وسوسه او در زمینه ماورای‌الطبیعی بود و سعی کرد که عیسی کاری غیرعادی و هیجان‌انگیز انجام دهد. شیطان از عیسی خواست که از طریق انجام کاری احمقانه چیزی نیکو را ثابت کند. او از عیسی خواست تا با پرتاب کردن خود از یک ساختمان بلند ثابت کند که خدا از او محافظت می‌کند. او می‌خواست عیسی را فریب دهد تا در چیزهایی اشتباه به خدا اعتماد کند. او می‌خواست عیسی را وسوسه کند تا در چیزهایی به خدا اعتماد کند که خدا درمورد آنها هیچ وعده‌ای نداده بود. او عیسی را وسوسه کرد که شک را به جای ایمان و تکبر شرم‌آور را به جای اطاعت از هدایت خدا جانشین سازد. او عیسی را وسوسه کرد که خدا را آزمایش کند و او را امتحان کند که آیا واقعا خداست. او گفت که با پریدن از یک ساختمان بلند، عیسی می‌توانست ثابت کند که خدا وجود دارد و آنچه در کتاب مقدس وعده داده انجام داد. آنچه خدا وعده داد این است که او از آنانی که به او اعتماد می‌کنند مواظبت خواهد کرد. خدا وعده نداده است که مردم را از امتحانات احمقانه نجات دهد. شیطان عیسی را وسوسه کرد که در



زمینه‌هایی به خدا اعتماد کند که خود شیطان تعیین می کند. عیسی با اقتباس از کلامی دیگر از کتاب مقدس که می‌گوید: «خداوند خدای خود را تجربه مکن» بر این وسوسه غالب آمد.

نمونه‌های زیر مواردی است از اعتماد کاذبانه نسبت به خدا:

اگر در حالی که دارای شیوه زندگی ناسالمی هستم از خدا بخواهم که بیماری مرا شفا دهد، پس من اعتماد کاذبانه‌ای نسبت به خدا دارم.

اگر فیلم ویدیویی غیراخلاقی و فاسد نگاه می‌کنم و در عین حال دعا می‌کنم که «خداوندا، چشمانم را از دیدن بطالت برگردان» (مزمور ۱۱۹: ۳۷) پس به خدا اعتماد کاذبی دارم. عیسی می‌گوید که من نباید با به وجود آوردن موقعیت‌هایی که در آن کاذبانه به خدا اعتماد می‌کنم خدا را امتحان کنم.

*** ۶:۴**

سؤال ۷) (متی ۴: ۶). آیا عیسی نباید از کلامی که شیطان از کتاب مقدس اقتباس کرد اطاعت کند؟

ملاحظات: شیطان برای عیسی از مزمور ۹۱: ۱۱- ۱۲ اقتباس کرد. او از کتاب مقدس سؤاستفاده کرد تا عیسی را وسوسه کند. در یوحنا ۸: ۴۴ عیسی می‌گوید شیطان دروغگو و پدر تمام دروغگویان است. شیطان هیچ وقت حقیقت را نمی‌گوید. درحالی که کلام کتاب مقدس حقیقت و راستی است دشمنان خدا می‌توانند آن را تعریف کنند. کلمات کتاب مقدس بایستی براساس مقصود اولیه خدا درک شوند. پس کلمات کتاب مقدس بایستی به ترتیب تاریخی و در متن و برطبق مفهوم واژه‌های زبان اصلی یعنی عبری و یونانی و هماهنگ با آنچه که کل کتاب مقدس تعلیم می‌دهد توضیح داده شوند.

وقتی این قوانین مورد غفلت قرار می‌گیرد و یا عملا فراموش می‌شود در نتیجه کلام کتاب مقدس به صورت اشتباه تفسیر خواهد شد این دقیقا مقصود شریر است. همچنین هدف آگاهانه بسیاری از معلمان دروغین دنیاست. آنها وانمود می‌کنند که به کتاب مقدس ایمان دارند، اما در واقع تفسیر خودشان را بر کتاب مقدس تحمیل می‌کنند تا مردم را به انحراف بکشانند. عیسی هدف شیطان را می‌دانست. او می‌دانست که شیطان به کتاب مقدس معنا و مفهوم دروغینی می‌دهد. عیسی با یک اقتباس دیگر از کتاب مقدس بر طبق معنی درست، با حمله شیطان مقابله کرد. عیسی گفت: «خداوند خدای خود را تجربه مکن.»

*** ۸:۴- ۹**

سؤال ۸) (متی ۴: ۸ - ۹). آیا این حقیقت دارد که تمام دنیا متعلق به شیطان است؟

ملاحظات:

الف- ادعای کذب شیطان

شیطان به این فخر می‌کند که تمام پادشاهی‌های روی زمین متعلق به اوست. چون او معتقد است که تمام پادشاهی‌های روی زمین به او بخشیده شده است (لوقا ۴: ۵ - ۷) اما شیطان دروغگو و متظاهر است (یوحنا ۸: ۴۴ ، دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴). افتخار او یک افتخار پوچ و بی ارزش و ادعای او ادعایی کذب است!

ب- واژه «دنیا» (یونانی: kosmos) به معانی مختلف در کتاب مقدس به کار می‌رود.

معنای درست و بجای کلمه را زمینه متن تعیین می‌کند.

- دنیا به معنای جهان سازمان یافته (یوحنا ۱۰:۱، ۵:۱۷ و ۲۴)، زمین (یوحنا ۲۵:۲۱).
- دنیا به معنای عرصه یا صحنه تاریخ بشر، مردم روی زمین، نوع بشر (یوحنا ۹:۱؛ ۱۹:۳، ۳۹:۹، ۲۷:۱۱، ۴۶:۱۲، ۳۱:۱۴، ۲۱:۱۶ و ۲۸، ۱۸:۱۷، ۳۶:۱۸- ۳۷، اول یوحنا ۱:۴و ۳، ۹:۴).
- دنیا به معنای کلی همگان (یوحنا ۴:۷، ۲۲:۱۴).
- دنیا به معنای انسان گمشده: بیگانه از خدا، بار گناه بر دوش، در خطر داوری عادله خدا و محتاج به نجات (یوحنا ۱۹:۳).

- دنیا بدون مشخص بودن زمینه. دنیای انسان گمشده آنگونه که در یوحنا ۱۹:۳ آمده، اما با اندیشه‌ای بیشتر: مردمان بودن در نظر گرفتن نژاد، ملیت یا زبان (یوحنا ۲۹:۱، ۱۶:۳، ۱۷:۳، ۳۳:۶و ۵۱، ۱۲:۸، ۵:۹، ۵۲:۱۱، ۳۲:۱۲، اول یوحنا ۲:۲، ۱۴:۴- ۱۵) (م.ک. ۴۲:۴). این دیگر به دنیا به عنوان قلمرو شریر که علنا به دشمنی با خدا، مسیح و مسیحیان برخاسته اشاره نمی‌کند (یوحنا ۱۸:۱۵، اول یوحنا ۱۹:۵). خدا نه شریر را دوست دارد ونه به تبع آن کسانی را که به شرارت ادامه می‌دهند و از خدا نفرت دارند (رومیان ۱۸:۱، مزمور ۴:۵- ۶، مزمور ۵:۱۱، یعقوب ۴:۴). همچنین به «هر انسانی که تاکنون بر روی زمین زندگی کرده» نیز دلالت نمی‌نماید.
- دنیای شریر. دنیای انسان‌های گمشده آنگونه که در یوحنا ۱۹:۳ آمده، اما با اندیشه‌ای بیشتر: مردمانی که شرارت می‌کنند و علنا با خدا، مسیح و مسیحیان دشمنی می‌ورزند (یوحنا ۷:۷، ۲۳:۸، ۳۱:۱۲، ۱۷:۱۴ و ۳۰ و ۳۱، ۱۸:۱۵، ۹:۱۷ و ۱۴- ۱۶و ۲۵، اول یوحنا ۱۵:۲- ۱۷، ۱:۳ و ۱۳، ۴:۴- ۵، ۴:۵ و ۵ و ۱۹). تنها این دنیاست که زیر تسلط شریر می‌باشد (اول یوحنا ۱۹:۵) اما شریر به مسیحیان واقعی هیچ آسیبی نمی‌تواند برساند (اول یوحنا ۱۸:۵).

پ- فقط دنیای شریر تحت سلطه شیطان است.

وقتی یوحنای رسول می‌گوید که کل دنیا تحت سلطه شریر است (اول یوحنا ۵: ۱۰) منظور اواین نبود که هر کشوری با تمام مردم تحت سلطه شیطان هستند. کلمه «دنیا» به چند مفهوم در کتاب مقدس استفاده شده است. در اول یوحنا ۵: ۱۹ «دنیا» به معنی کل زمین نیست و فقط به مفهوم دنیای گناه‌آلود، دنیایی که شامل بی‌ایمانان است، دولت‌هایی که با عیسای مسیح مخالفت می‌کنند و مردمان شریر و لشگر شیطانی روح‌های شریر است.

شریر نمی‌تواند به مسیحیان تولد تازه یافته آسیبی بزند (اول یوحنا ۱۸:۵). پس شیطان بر تمام مردم شریر جهان تسلط دارد، اما علت اینکه او دارای این تسلط است این است که خدا به او چنین اجازه‌ای داده است (ایوب ۱: ۱۲، اول قرنتیان ۵: ۵).

شریر می‌تواند تیرهای آتشین (وسوسه‌ها) پرتاب کند (افسسیان ۱۶:۶)، اما هرگز نمی‌تواند آنها را به تصرف خویش درآورد (اول یوحنا ۴:۴) و بر آنچه که برای مسیحیان روی می‌دهد، تسلطی داشته باشد (رومیان ۲۸:۸)!

ت- کل جهان پهناور در دستان عیسای مسیح است.

- در دوران عهد عتیق . حتی در دوره عهد عتیق نیز مالک و حاکم مقتدر تمام جهان خدا بود (مزمور ۲، مزمور ۹: ۷، ۲۹: ۱۰، ۹۳:۱- ۲، ۱۳:۱۴۵، ۱۰:۱۴۶، ارمیا ۳۲: ۱۷، ۲۷). به عنوان مثال، فرشته خداوند در یک شب همه سپاهیان شریر را در هم کوبید (اشعیا ۳۶:۳۷- ۳۷).
- در دوره زندگی عیسای مسیح بر روی زمین. پیشتر زمانی که عیسای مسیح بر روی زمین می‌زیست، می‌دانست که خدای پدر همه چیز را به دستان وی سپرده است (متی ۲۸: ۱۸، یوحنا ۱۳: ۳). عیسی هرگز در هیچ جنگ مقدسی شرکت نکرد و با گفتن این جمله که هر که شمشیر بردارد، با شمشیر نیز کشته شود، عملا بر ضد هر جنگ مقدسی سخن گفت (متی ۵۲:۲۶). عیسای مسیح این قدرت را داشت که از خدای پدر بخواهد و خدا بیش از دوازده لژیون از فرشتگان را در اختیارش بگذارد، اما عیسای مسیح از بهره‌گیری از چنین قدرتی برای نابود کردن مردمان شریر خودداری نمود، چون او هدفی والاتر داشت: به کمال رسانیدن شریعت و نوشته‌های انبیا در کلام خدا (متی ۵۳:۲۶- ۵۴؛ م.ک. ۱۷:۵). وانگهی، هیچ انسان شریری هرگز بر مسیح یا مسیحیان قدرتی ندارد، مگر آنکه از بالا به او داده شده باشد (یوحنا ۱۱:۱۹).
- مرگ عیسای مسیح. هنگامی که عیسای مسیح مرد، شریر از آسمان، جایی که مغرورانه ایمانداران را متهم می‌کرد، اخراج گردید (ایوب ۶:۱؛ مکاشفه ۷:۱۲- ۱۲) و از موضع قدرتمندی هم که بر زمین داشت، و به واسطه آن می‌کوشید تا کشورها و ملت‌های جهان را از پیغام خدا دور نگاه دارد نیز سقوط نمود (دانیال ۱۳:۱۰- ۱۴، متی ۲۸:۱۲- ۳۰، ۱۴:۲۴، یوحنا ۳۱:۱۲- ۳۲، اول یوحنا ۸:۳، مکاشفه ۱:۲۰- ۳).
- رستاخیز عیسای مسیح. پس از آنکه عیسای مسیح از مردگان برخاست، تمامی قدرت در آسمان و بر زمین بدو داده شد (متی ۱۸:۲۸). پس از آنکه عیسای مسیح رستاخیز نمود، شریر، همه نیروهای شیطانی‌اش و دولت‌های روی

زمین و نیز همه فرشتگان نیک کاملا مطیع او هستند (افسسیان ۲۰:۱- ۲۲، اول پطرس ۲۲:۳، مکاشفه ۸:۵- ۱۴). پس از اینکه عیسای مسیح از مردگان برخاست، مردمان را از هر گوشه جهان به سوی خودش می‌کشد (یوحنا ۳۲:۱۲)، آنان را از قلمرو شریر ربوده به پادشاهی خودش می‌آورد (کولسیان ۱۳:۱). عیسای مسیح بر دنیای شریر غلبه یافته و دنیای شریر تا ابد زیر سلطه عیسای مسیح باقی خواهد ماند (در زبان یونانی زمان کامل استفاده شده) (یوحنا ۳۳:۱۶)! اکنون عیسای مسیح شاه شاهان و خداوند

خداوندان (۵:۱- ۸، ۲۶:۲- ۲۷، ۸:۵- ۱۴، ۲:۶، ۱۰:۱۲، ۱۴:۱۷، ۱۶:۱۹، ۱۳:۲۲). مسیحیان همراه با عیسای مسیح مردم را از ملت به گرد مسیح جمع می‌کنند (متی ۳۰:۱۲، دوم تیموتاؤوس ۲۵:۲- ۲۶).

*** ۸:۴- ۱۰**

سؤال ۹) (متی ۴: ۸- ۱۰). وسوسه سوم عیسی به وسیله شیطان چه بود؟

ملاحظات:

شیطان عیسی را وسوسه کرد خدا را رد کرده و در عوض شیطان را انتخاب کند. او عیسی را در زمینه قدرت این جهان وسوسه کرد. احتمالا شیطان با یک رویا، تمام پادشاهی این جهان را به او

نشان داد و بعد به عیسی وعده داد که تمام پادشاهی‌های جهان و تمامی شکوه آنها را به او می‌بخشد اگر در مقابل او زانو بزند و او را بپرستد. در وسوسه سوم، شیطان عیسی را وسوسه کرد که به شیطان به جای خدا اعتماد کند. شیطان از عیسی خواست که برای رسیدن به جلال و به دست آوردن تاج پادشاهی تمام قدرت‌های جهان راه میانبری را بدون تحمل صلیب انتخاب کند. (مزمور ۲: ۶ - ۸ ، عبرانیان ۱: ۱- ۵، ۵: ۵) اما شیطان دروغگوست. (یوحنا ۸: ۴۴) و با ماسکی چهره اش را می‌پوشاند تا مردم تصور کنند که او فرشته نور است. (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴) شریر مطمئنا مالک هیچگونه پادشاهی در این دنیا نیست، بنابراین او نمی‌تواند چیزی را بدهد که خود ندارد (مزمور ۱۳:۱۴۵، ۱۰:۱۴۶). عیسی باز هم با اقتباس از کلام خدا از کتاب مقدس بر این وسوسه غالب شد؛ یعنی با این کلام که می‌گوید فقط خداوند لایق پرستش و خدمت است.

ما بسیاری از مردم را می‌بینیم که به معابد می‌روند و با بت‌ها معامله می‌کنند. بسیاری از مردم را دیده‌ایم که به ساختمان‌های مذهبی دیگر می‌روند و به دروغ‌های واعظین آنجا و کلام خدایانشان که خدای واقعی نیستند گوش می‌دهند. بسیاری از مردم را دیده‌ایم که به دروغ‌های موجود در روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مجلات گوش می‌دهند. شیطان سخت تلاش می‌کند تا مردم به غیر از خدای زنده که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است به هر چیزی اعتماد کنند. آرزوی واقعی شیطان این است که مردم او را به جای خدای

زنده بپرستند. عیسی می‌گوید که مردم بایستی فقط خدایی را بپرستند که خود را در کتاب مقدس آشکار ساخته است.

سؤال ۱۰) آیا مسیحیان می‌توانند بر وسوسه‌ها پیروز شوند؟

ملاحظات: در اول قرنتیان نوشته شده که هیچ وسوسه (و نه آزمایش) ای جز آنکه مناسب بشر باشد برای او نمی‌آید، اما خدا امین است که نمی‌گذارد او فوق طاقت خود آزموده شود، بلکه با هر وسوسه امکانی نیز فراهم می‌سازد تا توان مقابله با آن را داشته باشد. خدا وفاداری خود را به مسیحیان بدین گونه نشان می‌دهد او نمی‌گذارد که هیچ وسوسه قوی‌تر از قدرت تحمل هر مسیحی بر او وارد شود. و خدا در هر وسوسه زندگی، برای هر مسیحی راه فراری مهیا می‌کند. پس مسیحیان اگر بخواهند می‌توانند بر وسوسه پیروز شوند.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحا با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر بر اساس متی ۴: ۱- ۱۱ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدام یک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

۱- نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (متی ۴: ۱- ۱۱)

- ۴: ۱ * به خاطر داشته باشید که بعضی مواقع خدا یک مسیحی را به موقعیتی هدایت می‌کند که ممکن است در آن موقعیت، او به گناه وسوسه شود. با این حال، خدا او را وسوسه نمی‌کند که شرارت کند (یعقوب ۱: ۱۳) و نیـــز نمی‌خواهد که او را به گناه بکشاند، بلکه خدا می‌خواهد او را امتحان کند (یعقوب ۱: ۱۲) و به او تعلیم دهد که به خدا وابسته باشد و به امانت خدا اعتماد کند که او راهی را برای فرار مهیا خواهد کـــرد (اول قرنتیان ۱۰: ۱۳).
- غـــلبه بر یک وسوسه ویژگی‌هایی را پرورش می‌دهد (صبر و تحمل) (یعقوب ۱: ۲ - ۴) و در مقابل وسوسه‌کننده یعنی شیطان، جلال را به خدا می‌دهد (ایوب ۱: ۲۱ - ۲۲ ، متی ۴: ۱۰).

- ۴: ۲ * به خاطر داشته باشید که عیسی، پسر خدا است و ما نیستیم. اگرچه عیسی ۴۰ روز در بیابان روزه داشت هیچ جای کتاب مقدس الزام نمی‌کند که مسیحیان بایستی روزه بگیرند. اگر می‌خواهید برای مدت زمانی روزه بگیرید آن را در خفا و بدون جلب توجه انجام دهید (متی ۶: ۱۶ - ۱۸).

- 4: ۳ * فراموش نکنید که شیطان بخصوص مسیحیان را وسوسه می‌کند چون آنها دیگر تحت سلطه او نیستند (کولسیان ۱: ۱۳ ؛ یعقوب ۴: ۷، اول پطرس ۵: ۸ - ۹).
- ۴: ۴ * برای نان زیست کنید، اما همینطور به هر کلمه که از دهان خدا خارج می‌گردد. یک مسیحی چنین تصمیم مهمی گرفت، «اگر کتاب مقدس نه، صبحانه هم نه.» صبح‌ها او قبل از خوردن صبحانه ابتدا بر کلام کتاب مقدس تعمق می‌کرد.
- ۴: ۵ * به خاطر داشته باشید که شیطان سعی می کند حتی وقتی در جماعتتان هستید شما را وسوسه کند! به او فرصت ندهید.

- 4: ۶ * به خاطر داشته باشید که شیطان از کتاب مقدس سؤاستفاده خواهد کرد و کلام خدا را تعریف می‌کند تا شما وسوسه شوید اراده او را انجام دهید. هر روز کتاب مقدس را بخوانید و کتاب مقدس را طوری یاد بگیرید که خدا می‌خواهد آنطور آن را درک کنید. بدین ترتیب بیشتر خواهید توانست دروغ‌های شیطان را تشخیص دهید.
- ۴: ۷ * وقتی شیطان شما را وسوسه می‌کند، به او بگویید: «در نام عیسای مسیح دور شو.» یا پاسخ درستی را از کتاب مقدس برای او اقتباس کنید. برای مثال بگویید: «در کتاب مقدس مکتوب است: خداوند خدای خود را تجربه مکن.»
- ۴: ۸ * به خاطر داشته باشید که شیطان سعی می‌کند که شما را به مکان‌هایی ببرد که در آنجا بتواند شما را وسوسه کند. از مکان‌های وسوسه اجتناب کنید.

- 4: ۹ - ۱۰ * به خاطر داشته باشید که هدف تمام وسوسه‌های شیطان یک چیز است: اینکه شما پرستش خدای زنده را ترک کنید و شیطان را بپرستید. درست به هدف شیطانی او توجه کنید و از آن فرصت برای این شهادت استفاده کنید که شما فقط خدای زنده را می‌پرستید و خدمت می‌کنید.
- ۴: ۱۱ * به خاطر داشته باشید که شما مدام وسوسه نخواهید شد. هشیار باشید که شیطان همیشه برمی‌گردد تا یک بار دیگر سعی کند شما را وسوسه کند (لوقا ۴: ۱۳).

۲- نمونه هایی از کاربردهای شخصی

الف- می‌خواهم هرگاه وسوسه می‌شوم از کتاب مقدس استفاده کنم. می‌خواهم یاد بگیرم که به وسوسه‌های شیطان با پاسخ‌های خدا در کتاب مقدس جواب بدهم. پس هر روز کتاب مقدس را خواهم خواند، به طوری که کتاب مقدس را خیلی خوب بفهمم تا هرگاه او مرا وسوسه می‌کند بتوانم پاسخ او را بدهم.

ب- حالا بیشتر هوشیار شده‌ام که وقتی شیطان من را وسوسه می‌کند تا کارهای اشتباه انجام دهم انگیزه واقعی او نابودی ارتباط من با خداست. او مرا وسوسه می‌کند با این انگیزه که من به خدا اعتماد نکنم و یا اعتماد کاذبی به خدا داشته باشم و یا به شیطان به جای خدا اعتماد کنم پس من بـــایستی با تلاش بیشتر با او مقاومت کنم، چون او نه تنها دشمن من است، بلکه دشمن خدا نیز هست.

قدم ۵: دعا کنید

درمورد حقیقتی که خدا به ما در متی ۴: ۱ - ۱۱ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده‌اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، درمورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵ دعا (۸ دقیقه)

دعای شفاعت

به دعا در گروه‌های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶ تکلیف منزل (۲ دقیقه) برای درس بعد

سرگروه: (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱- تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته‌های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با متی ۴: ۱ - ۱۱ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲- رازگاهان - هر روز نیمی از یک فصل را از قسمت دوم سموئیل فصلهای ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳- حفظ کردن - انکار: لوقا ۹: ۲۳ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

۴- دعا - در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵- آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود درمورد پرستش، رازگاهان، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.